



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و ششم، شماره ۹۴
تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۱۳۴-۱۵۵

جواد اصغری قاجاری^۱

عباس ارغان^۲

محمد رضا زند مقدم^۳

ارائه الگوی بهینه عدالت شهری در شهر ساری با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) و مدل سازی معادلات ساختاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲

چکیده

مقدمه و هدف: عدالت شهری به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی شهری مدرن، به دنبال توزیع عادلانه امکانات و خدمات در میان شهروندان است. نابرابری های فضایی در شهرهای ایران، به ویژه ساری، ضرورت ارائه یک الگوی بومی و بهینه را دوچندان می کند. این پژوهش با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی جامع برای تحقق عدالت شهری در شهر ساری انجام شده است.

روش شناسی: پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) انجام شد. در بخش کیفی، با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و انجام ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان (مدیران شهری، اساتید و کارشناسان)، و نیز با بهره گیری از تکنیک فیش برداری از ادبیات نظری، ابعاد و مؤلفه های عدالت شهری شناسایی شدند. سپس، با استفاده از تکنیک طوفان مغزی و کسب حدنصاب نظر خبرگان، پرسشنامه محقق ساخته تدوین گردید. در بخش کمی، داده های حاصل از پرسشنامه (توزیع شده بین ۳۸۴ نفر از کارکنان شهرداری و فرمانداری ساری) با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم افزار PLS Smart تحلیل شد.

یافته ها: نتایج بخش کیفی به شناسایی سه بعد اصلی عدالت شهری منجر شد: (۱) عدالت فضایی (با ۱۲ مؤلفه شامل خدمات آموزشی، درمانی، فرهنگی، مذهبی، و...)، (۲) عدالت توزیعی (با ۴ مؤلفه اصلی شامل نیاز ساکنان، دسترسی، توزیع فضایی و کارایی خدمات)، و (۳) عدالت ساختاری (با ۶ مؤلفه شامل آزادی، برابری، تنوع، استحقاق، مردم سالاری و منفعت عمومی). یافته های بخش کمی نشان داد که تمامی مؤلفه های شناسایی شده از بار عاملی و اعتبار مناسب ($Cronbach's \alpha > 0.94$, $AVE > 0.55$) برخوردار هستند. بر اساس ضرایب مسیر، عدالت فضایی با ضریب (۰,۴۷۱) بیشترین تأثیر، و عدالت توزیعی (۰,۳۶۳) و عدالت ساختاری (۰,۱۷۷) در رتبه های بعدی قرار گرفتند.

نتیجه گیری: الگوی ارائه شده در این پژوهش، چارچوبی جامع و بومی برای سنجش و ارتقای عدالت شهری در ساری فراهم می آورد. نتایج نشان می دهد که برای دستیابی به عدالت شهری، تمرکز بر بهبود و توزیع متوازن خدمات فضایی (نظیر توسعه فضاهای سبز، مراکز درمانی و آموزشی) در اولویت اول است و پس از آن، باید به سازوکارهای توزیع عادلانه خدمات و ساختارهای مشارکتی و حقوقی توجه شود.

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

^۲ گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول) Email: arghan1349@iau.ac.ir

^۳ گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

کلمات کلیدی: عدالت شهری، عدالت فضایی، عدالت توزیعی، عدالت ساختاری، شهر ساری، مدل سازی معادلات ساختاری (SEM)، رویکرد آمیخته.

مقدمه

رشد سریع شهرنشینی در ایران طی دهه های اخیر، با تمرکز امکانات و خدمات در برخی نقاط و محرومیت مناطق دیگر، به شکاف طبقاتی و نابرابری های فضایی عمیقی دامن زده است (۱). امروزه، مفهوم عدالت فراتر از یک شعار اخلاقی، به یک اصل راهبردی در برنامه ریزی شهری تبدیل شده است. عدالت شهری که ریشه در نظریات اندیشمندانی چون جان رالز (عدالت به مثابه انصاف)، دیوید هاروی و سوزان فاین استاین دارد (۲)، بر توزیع عادلانه منابع، دسترسی برابر به خدمات و مشارکت همگانی در فرآیندهای شهری تأکید می کند (۳). عدالت اجتماعی اصطلاح دو کلمه ای به معنای عدالت یعنی موزن بودن و برابری که در مفهوم رعایت تناسب میان اجزاء یک مجموعه هدف بوده و بعد اجتماعی و سیاسی عدل انسانی و فردی و به عبارتی نمود عینی و مجسم عدالت تام در درون جامعه و در مناسبات ارادی افراد بشر است که مصادیق آن را در قالب کنشهای اجتماعی، گروهی، تصویب و اجرای قوانین، ایجاد و اداره نظام ها و احزاب، مقررات، معاملات، تولید، خدمات، توزیع، مصرف، مشروعیت نظام ها، مشارکت مردمی، نظارت، هدایت، تعلیم و تربیت و غیره تجلی می یابد (۴). عدلت اجتماعی در نحله های دیگر به صرف عدالت توزیعی حمل می شود؛ ولی در معنای اسلامی به مفهومی گسترده تر و دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و پرورشی و حقوقی و قضایی است و صرفاً در توزیع قدرت یا ثروت خلاصه نمی شود (۵). این باور همگانی وجود دارد که رواب و مناسبات افراد و گروه ها، قوانین و مقررات جامعه و همچنین نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشند. مقررات و الزامات اجتماعی آنگاه از مشروعیت برخوردارند، که یا با عدالت انطباق داشته باشند و یا بر اساس آن بوجود آمده باشند و بر مبنای آن نیز اجرا شوند. عدالت نه تنها در مورد فرد و کنش فردی (۶)؛ بلکه در مورد جمع و رفتار جمعی نیز معیار و ملاک است. یکی از عناصر کلیدی تشکیل دهنده مفهوم عدالت اجتماعی، عنصر برابری است که خود مفهوم قابل درک و ملموسی است، اما از نحوه ترکیب آن با دیگر عناصر می توانیم به تعریف های مختلفی از مفهوم عدالت اجتماعی دست پیدا کنیم (۷).

بررسی و شناخت نحوه و چگونگی توزیع خدمات در مناطق شهر ساری، تعیین معیارهای اصلی تعریف کننده سطح توسعه یافتگی عدالت اجتماعی، و ارائه برنامه های تحرک بخشی به جریان عدالت اجتماعی از اهداف مهم این پژوهش می باشد. مسئله این تحقیق از اینجا ناشی می شود که عدم شناسایی دقیق ابعاد مختلف نابرابری ها افزایش یافته است. مهم ترین دلیل افزایش این نابرابری ها عدم شناسایی ابعاد مختلف نابرابریها و سیاستهای اجرایی نامتناسب برای رسیدن به اهداف مذکور است. تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی باغ تمرکز امکانات و فضاهای فرهنگی - اجتماعی در برخی از شهرها و مناطق شهری شده است و تعداد بسیاری، از امکانات و فضاهای اجتماعی محروم اند، این بدان معناست که از پتانسیل های موجود آن ها نیز استفاده نمی شود (۸). این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که مهمترین معیارهای عدالت اجتماعی از منظر برنامه ریزی شهری کدام موارد هستند؟ وضعیت عدالت اجتماعی در مناطق شهری ساری چگونه است؟

پیشینه تحقیق

بر اساس مرور جامع ادبیات، مطالعات زیادی در زمینه عدالت فضایی و توزیع خدمات شهری انجام شده است. پژوهش های داخلی عمدتاً بر تحلیل نابرابری های فضایی در توزیع خدمات خاص (مانند فضای سبز، مسکن، خدمات شهری) متمرکز بوده اند (۹).

محمدی و همکاران در سال ۱۴۰۰ با مقاله ای تحت عنوان "تحلیل فضایی توزیع و دسترسی به خدمات شهری در سطح محلات شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: کاربری های تجاری شهر اردبیل) چنین بیان کرده اند که: یکی از بااهمیت ترین و ضروری ترین مسائل برنامه ریزی شهری، توزیع عادلانه امکانات، خدمات و میزان دسترسی شهروندان در سطح محله ها، ناحیه ها و مناطق شهری است، مراکز اقتصادی و تجاری؛ از جمله بانک ها و مؤسسات مالی، یکی از مهم ترین بخشهای اقتصادی شهرها محسوب می گردند؛ در همین راستا هدف پژوهش حاضر بررسی میزان دسترسی شهروندان اردبیل به کاربری های تجاری در سطح محلات شهر اردبیل می باشد. از همین رو پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی می باشد. جامعه آماری پژوهش، محلات ۴۴ گانه شهر اردبیل می باشد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل های آمار فضایی، تحلیل لکه های داغ (Hot Spot Analysis) در نرم افزار GIS استفاده شده است. در نهایت جهت تحلیل همبستگی بین کاربری تجاری با جمعیت و همچنین تعیین رابطه و همبستگی این کاربری با سایر کاربری های خدماتی از تابع رگرسیون در محیط نرم افزاری Idrisi Selva استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که در محلات شهر اردبیل از لحاظ وضعیت کلی کاربری های تجاری نابرابری وجود دارد. بدین ترتیب که محلات دارای وزنه بالای کاربری تجاری و غلظت بالای لکه های داغ در وضعیت مطلوب بوده که شامل نواحی ۳ و ۵ از منطقه ۲، ناحیه ۷ از منطقه ۱ و ناحیه ۶ از منطقه ۳ می باشند (۱۰).

همچنین به عنوان مثال، پوراحمد و بیرانوند (۱۳۹۹) در بروجرد، نابرابری در توزیع کاربری های تجاری و خدماتی را به اثبات رساندند (۱۱). بزی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از مدل های تاپسیس و ویکور به رتبه بندی نواحی شهر گرگان بر اساس برخورداری از خدمات پرداختند (۱۲). روستایی و همکاران (۱۳۹۹) نابرابری های فضایی در شاخص های مسکن شهر ارومیه را شناسایی نمودند (۱۳). مورونی در سال ۲۰۱۹ در مقاله "شهر عادلانه. سه موضوع پیش زمینه: عدالت نهادی و عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی" چنین بیان کرده است که: در زمینه های نظریه برنامه ریزی، بحث در مورد شهر عادلانه وجود دارد (۱۴).

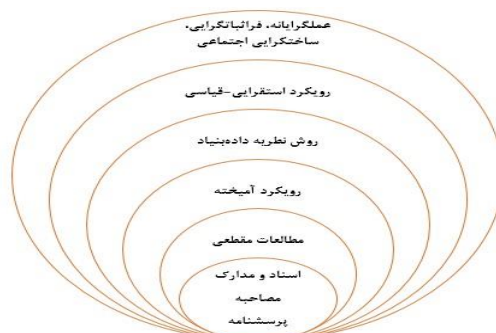
در سطح بین المللی، فاین استاین (۲۰۰۹) در تئوری شهر عدالت محور خود بر سه معیار تنوع، دموکراسی و برابری تأکید دارد. هاروی (۱۹۷۳) نیز عدالت اجتماعی را در گرو توزیع عادلانه درآمد و منابع بر اساس معیارهای نیاز، استحقاق و منفعت عمومی می داند. مورونی (۲۰۲۰) و نیگرن و همکاران (۲۰۲۰) نیز به ترتیب به بررسی ابعاد زمینه ای عدالت نهادی و فضایی، و نقش مقاومت و حکمروایی شهری در تحقق عدالت پرداخته اند (۱۵).

نوآوری پژوهش حاضر در این است که برخلاف بیشتر مطالعات پیشین که صرفاً به سنجش نابرابری با روش های توصیفی - تحلیلی پرداخته اند، این پژوهش با رویکردی ترکیبی، به ارائه یک الگوی چندبعدی و جامع (شامل ابعاد فضایی، توزیعی و ساختاری) برای عدالت شهری در ساری می پردازد و روابط بین این ابعاد را با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری اعتبارسنجی می کند.

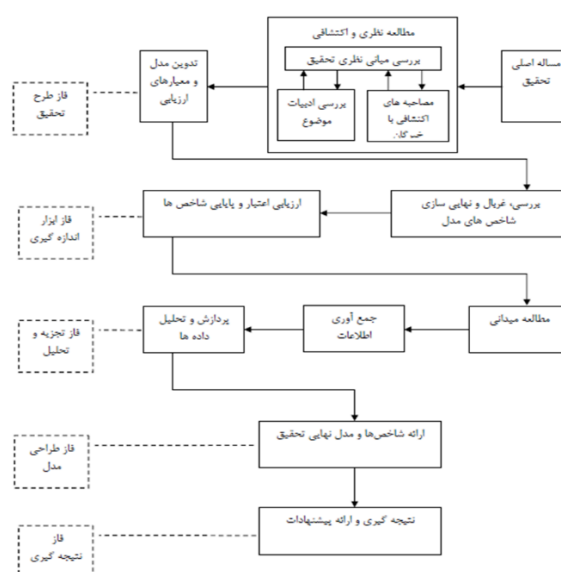
روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، ترکیبی از تحقیقات توسعه ای و کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی - پیمایشی است. رویکرد پژوهش نیز آمیخته کیفی - کمی بوده است. در مرحله نخست، با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، فیش برداری و مصاحبه با خبرگان، ابعاد و شاخص های عدالت شهری استخراج شد. در مرحله دوم، یافته های مرحله کیفی از طریق پرسشنامه و مدل سازی معادلات ساختاری مورد آزمون و اعتبارسنجی قرار گرفت. جامعه آماری بخش کمی شامل متخصصان و کارشناسان مرتبط با توزیع عدالت شهری و همچنین کارکنان شهرداری و فرمانداری شهر ساری بوده است. در بخش کیفی، ۱۵ نفر خبره بر اساس تجربه، سمت، تحصیلات، ارتباط با موضوع پژوهش و سایر معیارهای تخصصی انتخاب شدند. در بخش کمی، تعداد ۳۸۴ نفر از کارکنان مورد بررسی

قرار گرفتند. از این تعداد ۱۱۲ نفر زن و ۲۷۲ نفر مرد بودند که به ترتیب ۱۷/۲۹ و ۸۳/۷۰ درصد نمونه را تشکیل می‌دادند. در میان خبرگان نیز ۶ نفر زن و ۹ نفر مرد بودند. از نظر تحصیلات، در میان کارکنان ۸۴ نفر دارای مدرک کاردانی، ۱۳۱ نفر کارشناسی، ۱۲۲ نفر کارشناسی ارشد و ۴۷ نفر دکتری بودند. در خبرگان نیز ۴ نفر دارای کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر دارای دکتری بودند. در مرحله کیفی از مصاحبه نیمه‌باز با خبرگان و فیش‌برداری از مطالعات مرتبط استفاده شد و داده‌های کیفی با بهره‌گیری از فرآیند کدگذاری تحلیل شدند. در مرحله بعد، با استفاده از تکنیک طوفان مغزی، ۴۳ نمایه اولیه در اختیار خبرگان قرار گرفت. شاخص‌هایی که میانگین کمتر از ۳٫۷ داشتند حذف شدند. این فرآیند سه مرتبه تکرار شد و در نهایت پرسشنامه محقق‌ساخته با ۷۸ سؤال تدوین گردید. در بخش کمی، از طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شد و روابط میان متغیرها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی مورد سنجش قرار گرفت. برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد. در مدل PLS، مقدار بالاتر از ۷/۰ برای پایایی و مقدار بالاتر از ۵/۰ برای AVE به عنوان معیارهای قابل قبول در نظر گرفته شد.



شکل ۱: مدل پیاز پژوهش با الهام از ساندرس و همکاران (۲۰۰۹)



شکل ۲: مراحل انجام تحقیق

نتایج

همانگونه که در جدول ۱ نشان داده شده است از مجموع ۳۸۴ نفر نمونه آماری کارکنان، تعداد ۱۱۲ نفر آنان را بانوان و تعداد ۲۷۲ نفر را آقایان تشکیل می دهند؛ بعبارت دیگر ۲۹,۱۷ درصد افراد را بانوان و ۷۰,۸۳ درصد را آقایان تشکیل می دهند.

جدول ۱ بررسی وضعیت جنسیت کارکنان

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۱۱۲	۲۹,۱۷
مرد	۲۷۲	۷۰,۸۳
خبرگان		
زن	۶	۴۰
مرد	۹	۶۰

همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است از مجموع ۳۸۴ نفر نمونه آماری کارکنان، تعداد ۸۴ نفر کاردانی، ۱۳۱ نفر کارشناسی، ۱۲۲ نفر کارشناسی ارشد و ۴۷ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری می باشند.

جدول ۲ بررسی وضعیت تحصیلی

سوابق تحصیلی	فراوانی	درصد
کاردانی	۸۴	۲۴,۸۸
کارشناسی	۱۳۱	۳۱,۱۱
کارشناسی ارشد	۱۲۲	۳۱,۷۷
دکتری	۴۷	۱۲,۲۴
خبرگان		
کارشناسی ارشد	۴	۲۶,۶۷
دکتری	۱۱	۷۳,۳۳

همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است از مجموع ۳۸۴ نفر نمونه آماری کارکنان، تعداد ۴۱ نفر کمتر از پنج سال، ۱۰۳ نفر بین پنج الی ده سال، ۸۹ نفر بین ده الی پانزده سال، ۱۱۱ نفر بین پانزده الی بیست سال و ۴۰ نفر بیش از بیست سال سابقه کاری دارا می باشند.

جدول ۳ بررسی وضعیت سابقه کاری

سوابق کاری	فراوانی	درصد
کمتر از ۵ سال	۴۱	۱۰,۶۷
بین ۵ الی ۱۰ سال	۱۰۳	۲۶,۸۲
بین ۱۰ الی ۱۵ سال	۸۹	۲۳,۱۸
بین ۱۵ الی ۲۰ سال	۱۱۱	۲۸,۹۱
بیش از ۲۰ سال	۴۰	۱۰,۴۲

خبرگان

بین ۱۵ الی ۲۰ سال

۷

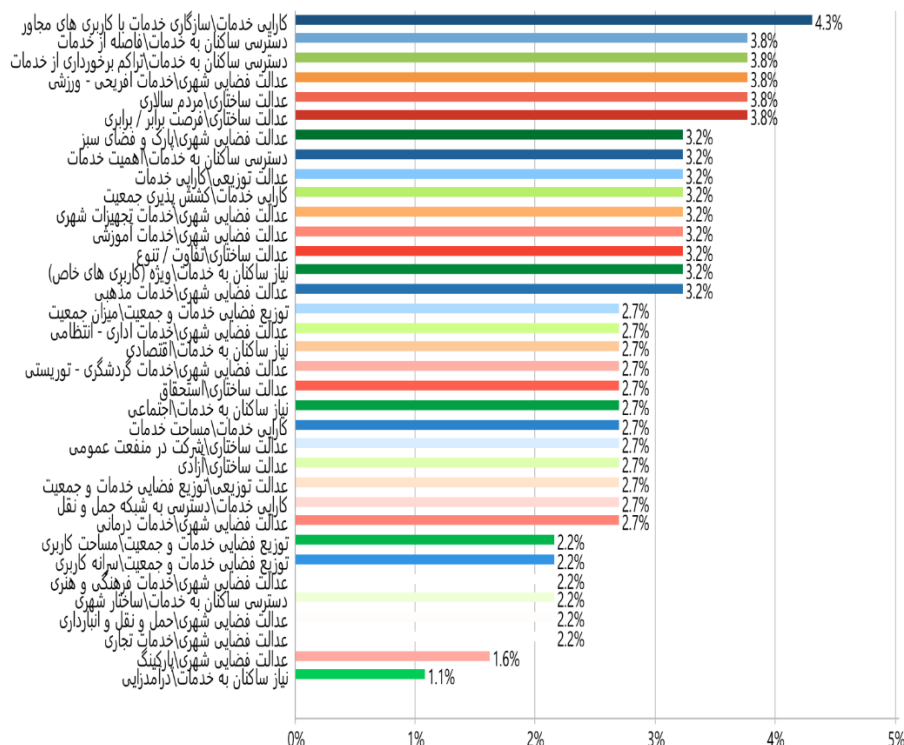
۴۶,۶۷

بیش از ۲۰ سال

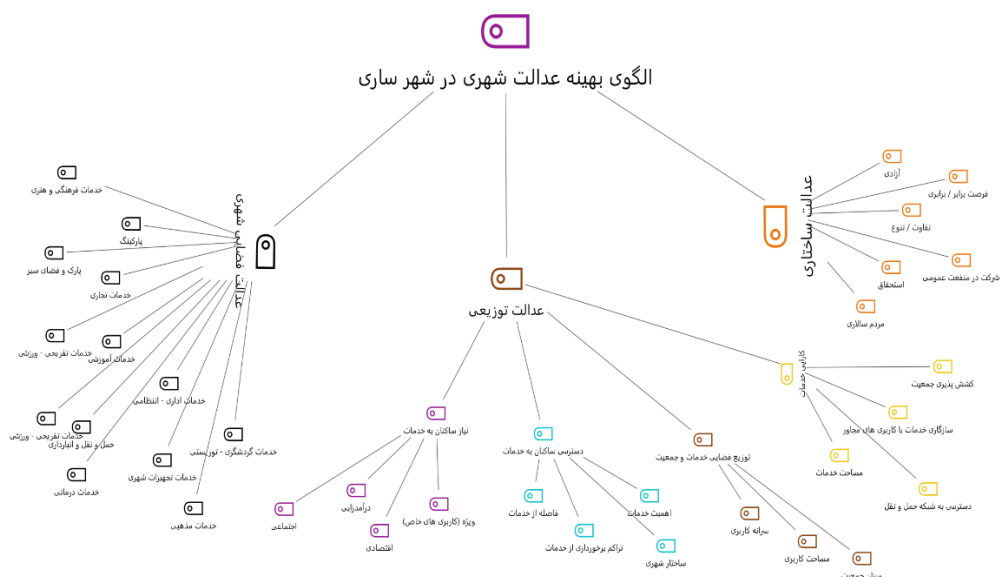
۸

۵۳,۳۳

از اطلاعات بدست آمده و نتایج مربوط به تکنیک فیش برداری از طریق نرم افزار MAXQDA میزان استفاده هریک از متغیرها نمایش داده شده است که نتایج بصورت نموداری برای مولفه های شناسایی شده نمایش داده شده اند.



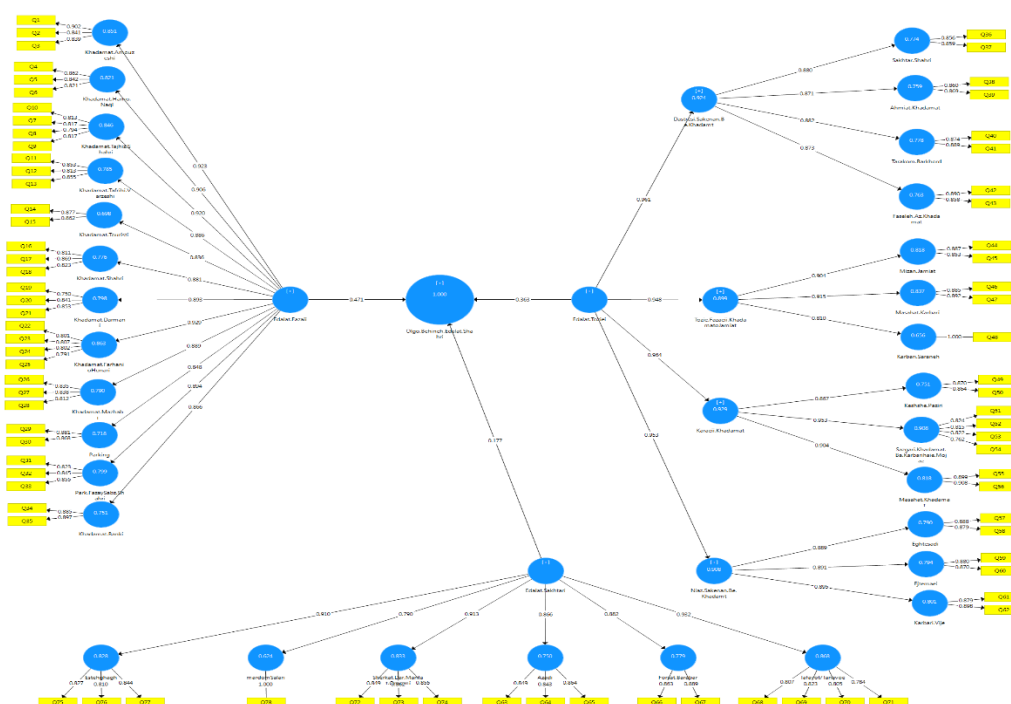
شکل ۳: میزان بهره مندی از کدهای شناسایی شده در مصاحبه ها



شکل ۴: دیاگرام کامل کدهای شناسایی شده

تکنیک طوفان مغزی

این تکنیک که در واقع مشتقی از تکنیک دلفی می باشد و با بهره گیری از نظر خبرگان شکل می گیرد، در پژوهش حاضر همانطور که قبلاً بیان شده است، تعداد خبرگان این پژوهش ۱۵ نفر بوده است و پس از مصاحبه اولیه و نتایج بدست آمده از کدهای شناسایی شده اقدام به اجرای این تکنیک در میان خبرگان نموده شده است. سئوالات محقق ساخته میان خبرگان توزیع گردیده شده و سپس از آنها خواسته می شود که نظر خود را نسبت به سئوالات با امتیاز ۱ کمترین و ۵ بیشترین بیان دارند. سپس با حدنصاب (میانگین گیری) نتایج بدست آمده مربوط به سئوالات، سئوال هایی که امتیاز نسبی آنها کمتر از مقدار ۳,۷ باشد را حذف نموده و مجدداً این تکنیک انجام می شود، تا زمانی که سئوالات تماماً بالاتر از مقدار بدست آمده باشند. در این آزمون با بهره گیری از نرم افزار SmartPLS به سنجش ارتباط میان متغیرها و بارعاملی میان سئوالات پرداخته شده است؛ همچنین میزان ضریب اطمینان در این آزمون بصورت پیش فرض برابر ۹۵ درصد بوده است که محقق نیز این امر را رعایت نموده است و تغییری در میزان ضریب اطمینان حاصل ننموده است (شکل ۵)



شکل ۵ ضریب مسیر میان متغیرها

جدول ۷ خلاصه نتایج آزمون معادلات ساختاری (عدالت شهری)

الگوی بهینه عدالت شهری

عدالت فضایی	۰,۴۷۱
عدالت ساختاری	۰,۱۷۷
عدالت توزیعی	۰,۳۶۳

جدول ۸ خلاصه نتایج آزمون معادلات ساختاری (عدالت فضایی)

عدالت فضایی

خدمات آموزشی	۰,۹۲۳
خدمات حمل و نقل	۰,۹۰۶
خدمات تجهیز شهری	۰,۹۲۰

خدمات تفریحی ورزشی	۰,۸۸۶
خدمات توریستی	۰,۸۳۶
خدمات شهری	۰,۸۸۱
خدمات درمانی	۰,۸۹۳
خدمات فرهنگی و هنری	۰,۹۲۹
خدمات مذهبی	۰,۸۸۹
پارکینگ	۰,۸۴۸
پارک و فضای سبز	۰,۸۹۴
خدمات بانکی - تجاری	۰,۸۶۶

جدول ۹ خلاصه نتایج آزمون معادلات ساختاری (عدالت ساختاری)

عدالت ساختاری

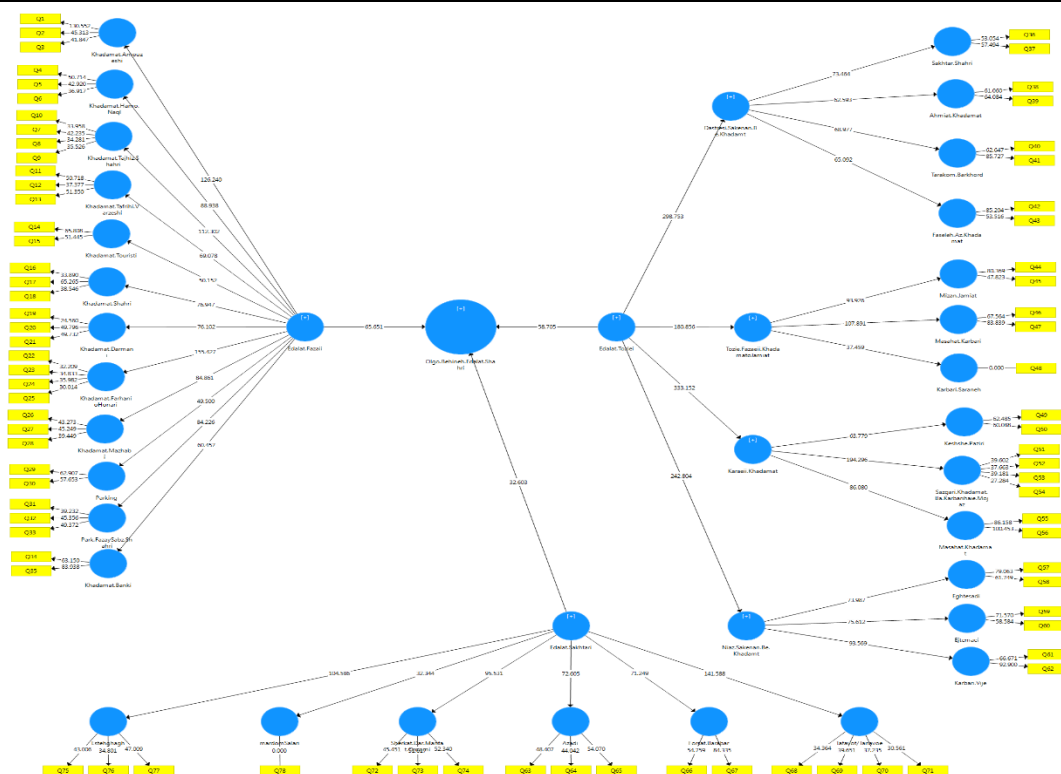
استحقاق	۰,۹۱۰
مردم سالاری	۰,۷۹۰
شرکت در منفعت مردمی	۰,۹۱۳
آزادی	۰,۸۶۶
فرصت برابر	۰,۸۸۲
تفاوت / تنوع	۰,۹۳۲

جدول ۱۰ خلاصه نتایج آزمون معادلات ساختاری (عدالت توزیعی)

عدالت توزیعی

دسترسی ساکنان به خدمات	۰,۹۶۱
توزیع فضای خدمات برحسب جمعیت	۰,۹۴۸
کارایی خدمات	۰,۹۶۴
نیاز ساکنان به خدمات	۰,۹۵۳

پس از اینکه بارعاملی سئوالات مورد بررسی قرار گرفته شد و مشخص شد که سئوالات دارای بارعاملی مناسب می باشند از اینرو در این مرحله به سنجش ارتباط میان شاخصه ها و متغیرها با الگوی بهینه عدالت شهری پرداخته شده است (شکل ۶).



شکل ۶: تبیین مقدار آماره T میان متغیرها

جدول ۸ خلاصه نتایج مربوط به آزمون

	Sample Mean	STDEV	T	P Values
عدالت فضایی <--- الگوی بهینه عدالت شهری	۰,۴۷۱	۰,۰۰۷	۶۵,۶۵۱	۰,۰۰۰
عدالت ساختاری <--- الگوی بهینه عدالت شهری	۰,۱۷۷	۰,۰۰۵	۳۲,۶۰۳	۰,۰۰۰
عدالت توزیعی <--- الگوی بهینه عدالت شهری	۰,۳۶۳	۰,۰۰۶	۵۸,۷۰۵	۰,۰۰۰

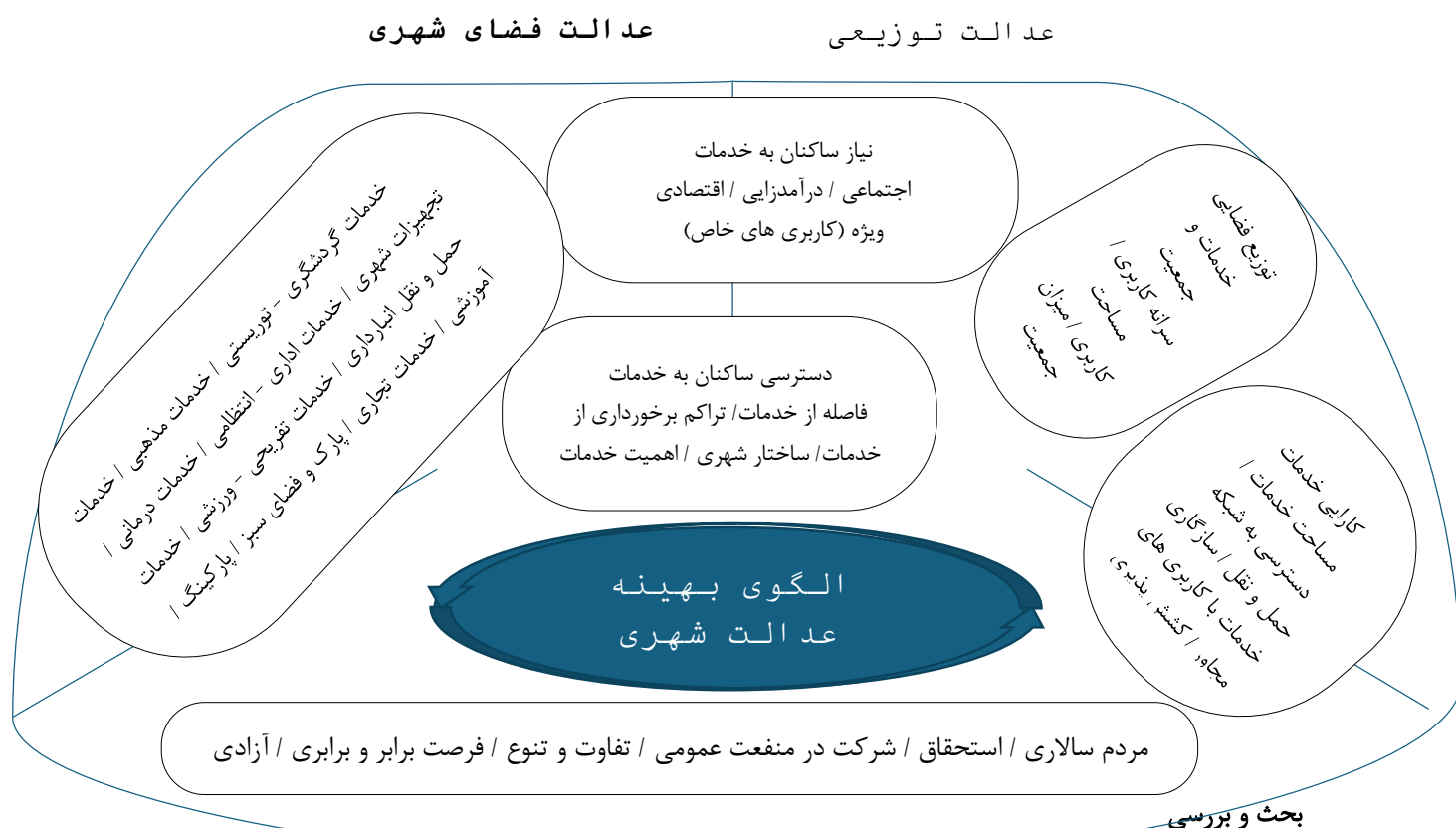
براساس نتایج بدست آمده در این آزمون و برحسب نظر کارکنان مشخص گردیده شده است که مهمترین عامل از دید این افراد باتوجه به میزان ضریب مسیر مکتسبه میان متغیرها مربوط به عدالت فضایی می باشد که برابر با ۰,۴۷۱ بوده و در رتبه های بعد، عدالت توزیعی با ضریب مسیر ۰,۳۶۳، عدالت ساختاری با ضریب ۰,۱۷۷، قرار گرفته شده اند. همچنین برای اطمینان به نتایج خروجی آزمون صورت گرفته از آزمون برازندگی مدل (روایی واگرا و همگرا) استفاده دشه است که نتایج آن در جدول ۹ قابل مشاهده می باشد.

جدول ۹ آزمون روایی واگرا و همگرا

	Cronbach's Alpha	Composite Reliability	Average Variance Extracted (AVE)
عدالت فضایی	۰,۹۷۷	۰,۹۷۸	۰,۵۶۰
عدالت ساختاری	۰,۹۴۱	۰,۹۴۸	۰,۵۸۴
عدالت توزیعی	۰,۹۶۹	۰,۹۷۱	۰,۵۵۷

براساس مقادیر بدست آمده برای متغیرها که در آلفا کرونباخ فراتر از ۰,۷ می باشد، در CR نیز بیش از ۰,۷ بوده اند و نیز باتوجه به مقادیر AVE که بیش از ۰,۵ است می توان بیان نمود که مدل های خروجی نرم افزار مورد تأیید می باشند.

پیرو مدل بهینه عدالت شهری شهرستان ساری برحسب الگوی معادلات ساختاری چگونه است؟ باتوجه به مدل نهایی بدست آمده در پژوهش که در شکل ۷ مشخص شده است می توان مدل شناسایی شده را اجرا نمود که باید به ابعاد مختلف آن که در بخش قبل که برحسب نظر خبرگان مقادیر ضرایب بدست آمده است با تقویت این ابعاد می توان انتظار داشت که مدل قابلیت اجرا را پیدا می نماید.



بحث و بررسی

پژوهش فعلی با هدف الگوی بهینه عدالت شهری (شهرستان ساری) انجام شده است. در این راستا مبتنی بر رویکردی آمیخته (کیفی - کمی)، تلاش شده است تا د **عدالت ساختاری** پاسخی مناسب به هریک از سؤالات پژوهش داده شود. بطور کلی این پژوهش در دو مرحله اجرا شده است. در مرحله نخست به منظور تجزیه و تحلیل داده های کیفی احصا شده از فرآیند مصاحبه با خبرگان حوزه مدیریت شهری و برخی از مدیران ارشد شهرداری ساری و واحدهای تابعه تحت نظارت آن و نیز تکنیک فیش برداری از مقالات و پژوهش هایی که در راستای ابعاد متغیرهای پژوهش که مشتمل بر مدیریت شهری و عدالت شهری بوده علاوه بر شناسایی شاخص ها، ابعاد، و مقوله های مرتبط با آنها و دسته بندی آنان در ذیل مضامین کلی تر ارائه گردید، در ادامه با تعیین مقوله محوری به تبیین نقش سایر مقوله ها پرداخته شد. در نهایت در بخش پایانی روش مبتنی بر روابط ایجاد شده در کدگذاری پرداخته و الگوی بهینه عدالت شهری با استفاده از مصاحبه ها و فیش برداری های لازم ابعاد مدل شناسایی شد.

در ادامه در مرحله دوم پژوهش، مبتنی بر نتایج احصا شده از مرحله قبل، به تبیین و تحلیل و شناخت پرسشنامه ی پژوهش که از طریق تکنیک طوفان مغزی صورت گرفته شده است پرداخته شد. در مرحله تکنیک طوفان مغزی چک لیست در میان خبرگان توزیع و از آنها خواسته شد که امتیاز ۱ الی ۵ به هر شاخصه ی شناسایی دشه بدهند که پس از جمع آوری اطلاعات و مقادیر بدست آمده مولفه های ۵، ۷، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۷ و ۴۱ بدلیل کسب نکردن حدنصاب یادگشته از سؤالات

حذف شده اند و نیز باتوجه به ریشه ی نزدیک و چسبندگی بالا با متغیرها و سئوالات دیگر اقدام به ترکیب سئوالات شده است که در نهایت پرسشنامه محقق ساخته باتوجه به حذف این سئوالات شکل گرفته شد.

در مرحله ی بعد سئوالات بدست آمده در میان نمونه آماری کارکنان توزیع گردیده شده است که از آنها خواسته شد نسبت به سئوالات امتیاز ۱ خیلی کم الی خیلی زیاد ۵ بدهند که نتایج بدست آمده از آنها را مورد سنجش و تعیین ارتباط میان متغیرها با استفاده از آزمون معادلات ساختاری به سنجش روابط میان مدل پرداخته شد.

همچنین در راستای آزمون فرضیه های پژوهش و اعتبارسنجی الگوی مفهومی در بخش کمی از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی بهره گرفته شد. در این رابطه در ابتدا پرسشنامه بخش کمی با طیف پنج لیکرتی طراحی و در بین جامعه آماری دوم پژوهش توزیع گردید. نتایج این بخش روابط علی تبیین شده در بین متغیرهای ارائه شده در هریک از فرضیه های پژوهش را آزمون و قضایای مطرح شده را مورد ارزیابی و سنجش قرار می دهد. براساس این آزمون و مقادیر بدست آمده مشخص شد که براساس نتایج بدست آمده در این آزمون و برحسب نظر کارکنان مشخص گردیده شده است که مهمترین عامل از دید این افراد باتوجه به میزان ضریب مسیر مکتسبه میان متغیرها مربوط به عدالت فضایی می باشد که برابر با ۰,۴۷۱ بوده و در رتبه های بعد، عدالت توزیعی با ضریب مسیر ۰,۳۶۳، عدالت ساختاری با ضریب ۰,۱۷۷، قرار گرفته شده اند. در ادامه به تشریح نتایج کسب شده در هریک از مراحل کیفی و کمی پژوهش پرداخته شده است و تلاش گردیده پاسخی مناسب به سئوالات پژوهش داده شود.

بررسی نتایج مرحله کیفی پژوهش مبتنی مصاحبه و فیش برداری از خبرگان

هریک از این مولفه های یاد شده در مصاحبه های صورت گرفته و یا پژوهش ها حداقل دو بار تکرار شده اند که این امر برجسته شدن هریک از این مولفه ها را نشان می دهد. همچنین باتوجه به اینکه خبرگان به دسته بندی تاکید داشته اند و هریک از مولفه ها را در دسته بندی جداگانه ای توجه داشته اند و هریک از این مولفه ها شان نزول متفاوتی در جایگاه متفاوت دارند براین اساس دسته بندی مربوط به آنها در ابعاد ذیل شکل گرفته شد:

عدالت فضای شهری: خدمات گردشگری - توریستی، خدمات مذهبی، خدمات تجهیزات شهری، خدمات اداری - انتظامی، خدمات درمانی، حمل و نقل انبارداری، خدمات تفریحی - ورزشی، خدمات آموزشی، خدمات تجاری، پارک و فضای سبز، پارکینگ، خدمات فرهنگی و هنری (۱۶).

عدالت توزیعی که مشتمل بر ۴ دسته نیاز ساکنان به خدمات، دسترسی ساکنان به خدمات، توزیع فضای خدمات و جمعیت و در نهایت کارایی خدمات می باشد که هرکدام مشتمل بر:

- نیاز ساکنان به خدمات: اجتماعی، درآمدزایی، اقتصادی و ویژه کاربری های خاص
- دسترسی ساکنان به خدمات: فاصله از خدمات، تراکم برخورداری از خدمات، ساختار شهری و اهمیت خدمات
- توزیع فضای خدمات و جمعیت: سرانه کاربری، مساحت کاربری و میزان جمعیت
- کارایی خدمات: مساحت خدمات، دسترسی به شبکه حمل و نقل، سازگاری خدمات با کاربری های مجاور، کشش پذیری جمعیت

عدالت ساختاری: مردم سالاری، استحقاق، شرکت در منفعت عمومی، تفاوت / تنوع، فرصت برابر / برابری، آزادی

بطور کلی نگاهی به پیشینه های پژوهشی انجام شده در حوزه قلمرو موضوعی پژوهش نشان می دهد که اگرچه در پژوهش های پیشین بشکل مشخصی به طراحی الگوی بهینه مدیریت شهری پرداخته نشده است، اما در برخی از تحقیقات بطور موردی به برخی از شرایط علی تبیین شده در این پژوهش اشاره شده است (۱۷). به عنوان نمونه محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی

تحت عنوان تحلیل فضایی توزیع و دسترسی به خدمات شهری در سطح محلات شهری با رویکرد عدالت فضایی در شهر اردبیل به این نتیجه رسیدند که در محلات شهر اردبیل از لحاظ وضعیت کلی کاربری‌های تجاری نابرابری وجود دارد. بدین ترتیب که محلات دارای وزنه بالای کاربری تجاری و غلظت بالای لکه‌های داغ در وضعیت مطلوب بوده که شامل نواحی ۳ و ۵ از منطقه ۲، ناحیه ۷ از منطقه ۱ و ناحیه ۶ از منطقه ۳ می‌باشند. همچنین بلوک‌های با وزنه پایین تجاری و غلظت کم لکه‌های داغ که شامل نواحی ۸ و ۱۱ از منطقه ۲، ناحیه ۱۱ از منطقه ۳ می‌باشد به لحاظ پایداری شهری در سطح پایین‌تری قرار دارند (۱۸). بنابراین نگاهی به سازگاری پیشینه‌های قبلی با یافته‌های این تحقیق می‌توان بیان کرد که اگرچه در تحقیقات پیشین به برخی از شرایط علی تأثیرگذار بر مدیریت شهری اشاره نموده‌اند اما در این پژوهش‌ها به طور جامع شرایط مدیریت شهری مورد توجه نبوده است که این موارد ضمن روشن نمودن نوآوری پژوهش انجام شده در قیاس با سایر مطالعات قبلی، جامعیت الگوی ارائه شده را بخوبی تبیین می‌نماید (۱۹).

بررسی نتایج مرحله کمی پژوهش مبتنی بر تکنیک طوفان مغزی و روابط معادلات ساختاری

پیرو پاسخگویی به سؤال روابط بین اجزا الگوی بهینه مدیریت شهری (شهرستان ساری) چگونه است؟ برای این منظور ابتدا تکنیک طوفان مغزی شکل گرفته شد و براساس مطالب احصا شده از تکنیک مرحله ی کیفی اقدام به طراحی چک لیست شد که برحسب آن تعداد ۴۳ نمایه تبیین گشته شد که از خبرگان خواسته شد به این موارد امتیازدهی نمایند که در نهایت بعد از مشخص شدن شرط میانگین ۳,۷ برای هر نمایه، تعدادی از نمایه‌ها حذف گردیده شد که مجموعاً پس از حذف نمایه‌ها که شامل مولفه‌های ۵، ۷، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۷ و ۴۱ بدلیل کسب نکردن حدنصاب یادگشته حذف شده‌اند و نیز باتوجه به ریشه ی نزدیک و چسبندگی بالا با متغیرها و نمایه‌های دیگر اقدام به ترکیب آنها شده است که در نهایت پرسشنامه محقق ساخته باتوجه به حذف این نمایه‌ها شکل گرفته شد که تعداد سئوالات برابر با ۷۸ سؤال تنظیم شد؛ ضمناً سه مرتبه این فرایند شکل گرفته شده است (۲۰).

سپس برحسب نتایج بدست آمده پرسشنامه محقق ساخته تبیین شد که در میان نمونه آماری توزیع گردیده شد که برحسب آزمون معادلات ساختاری مشخص شد که ضریب مسیر میان سئوالات و متغیرها بوده، مشخص شده است که تمام بارعاملی‌ها فراتر از ۰,۶ می‌باشند که نشان از حذف درست سئوالات بوده و نیز باتوجه به مقدار ضریب مسیرهای بدست آمده در میان متغیرها با می‌توان بیان داشت که تماماً ارتباط موجود میان آنها مثبت و مستقیم می‌باشد که بیشترین ارتباط مربوط به الگوی بهینه مدیریت شهری با متغیر مربوط به عدالت فضایی بوده که برابر با ۰,۴۷۱ بدست آمده است و کم ارزش ترین عامل از دید پاسخ دهندگان عوامل عدالت ساختاری می‌باشد که با ضریب مسیر ۰,۱۷۷ است (۲۱).

یافته‌های این بخش با مطالعات پژوهشگران پیشین سازگاری دارد. به عنوان مثال، پیمایش (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی نقش مدیریت شهری در توزیع فضای سبز مناطق با رویکرد عدالت اجتماعی در کلان شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که مدیریت شهری و عدالت اجتماعی بر توزیع فضای سبز مناطق یازده گانه کلان شهر شیراز تأثیر بسزایی دارند همچنین نوری و بوچانی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به عدالت فضایی توزیع خدمات شهری در مسکن مهر اردبیل به این نتیجه رسیدند که شهروندان از توزیع خدمات ناراضی می‌باشد که علت این امر را می‌توان در مشارکت ندادن شهروندان، عدم تعریف مشخص کاربری‌های محله‌ای در نظام مدیریت شهری ایران، فقدان و نزول تسهیلات زیرساختی خدماتی و مشخص نبود جایگاه شورایی‌ها که به عنوان حلقه واسطه بین شهروندان و مدیران شهری محسوب می‌شوند از مهم‌ترین جنبه‌هایی است که نابرابری را در سطح این منطقه شدیدتر نموده است (۲۲).

پیشنهادهای پژوهش

این پژوهش در پی ارائه الگوی بهینه مدیریت شهری بوده است. در این راستا و با توجه به ادبیات نظری بسیار محدود که در حوزه مدیریت شهری وجود داشت تلاش شد تا با استفاده از روش تحقیق آمیخته در این رابطه پرداخته شود. در این راستا با استفاده از روش مذکور و مبتنی بر مراحل مصاحبه، فیش برداری و... مدل مدیریت شهری (شهرستان ساری) ارائه گردید و در نهایت به سنجش و ارتباط میان اجزا مدل با استفاده از بخش کمی پژوهش و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون سئوالات پژوهش پرداخته شد. در ادامه به منظور پیاده‌سازی مدل اجرایی اقداماتی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد؛

بایستی منابع لازم در حوزه‌های مختلف اطلاعاتی، مالی، سرمایه‌های انسانی برای تحقق چشم‌انداز مدیریت شهری و تحقق مأموریت در دسترس آحاد جامعه و مدیران واحدهای تابعه قرار گیرد. در این بخش هم می‌توان نسبت به تخصیص بهینه منابع موجود اقدام نمود و هم در پی جذب منابع (عقد قرارداد با پیمانکاران متخصص و کاربلد) اقدام نمود. در خصوص مدل‌سازی نقش برای مدیران نیز اجرای اقداماتی اعم از، ترسیم کارراهه شغلی برای آنان، تعیین نقش‌های بهینه برای مدیران و شبیه‌سازی نقش برای آنان ضروری است. در نهایت نیز برای داشتن سازمانی با ساختار سازمانی چابک، بایستی در راستای ارتقای مؤلفه‌هایی چون سرعت عمل در برابر با تغییرات، پاسخگو بودن و قوانین منعطف گام برداشت (۲۳).

برگزاری دوره‌های آموزشی و سمینارها و بکارگیری نظام جانشین‌پروری نیز یکی دیگر از روش‌های تقویت، مدیریت شهری مدیران می‌باشد. در این رابطه بایستی به مقوله‌هایی چون برگزاری دوره‌های آموزشی، جانشین‌پروری در سازمان، و تفویض اختیار تأکید کرد. در خصوص برگزاری دوره‌های آموزشی می‌توان از دوره‌های آموزشی حین خدمت، برگزاری همایش‌های مدیریتی، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌محور مدیران، و روش ایفای نقش مدیران برای یادگیری آنان بهره لازم را برد. همچنین در خصوص فرآیند جانشین‌پروری بایستی به برنامه‌ریزی جانشین‌پروری و مدیریت جانشین‌پروری توجه ویژه‌ای گردد. در رابطه با تفویض اختیار نیز بایستی به تبیین حوزه مسئولیت و شرح وظایف، واگذاری اختیارات مبتنی بر وظایف، و ارزیابی مسئولیت‌ها مبتنی بر اختیارات واگذاری مدیران توجه شود.

اگرچه اثر تعدیل‌گری عوامل داخلی و خارجی توان‌ساز در این پژوهش اثبات نگردید اما به نظر می‌رسد این عوامل بتوانند بر فرآیند مدیریت شهری تأثیرگذار باشند. در رابطه با عوامل تقویتی داخلی، به نظر می‌رسد مقوله‌هایی چون کنترل مدیران، میزان ریسک‌پذیری، سرسختی، تاب‌آوری و حس تعلق مدیران بر نظارت و کنترل آنان تأثیرگذار باشند. همچنین در رابطه با عوامل تقویتی خارجی، حمایت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و پشتیبانی فرهنگ سازمانی نیز یک عامل تأثیرگذار خواهد بود.

محدودیت‌های پژوهشی

بی‌شک در پژوهش‌های بهره‌مند از روش کیفی، ارزش‌ها و تعصبات پژوهشگر می‌تواند بر تحلیل داده‌های گردآوری شده و یا جهت‌دهی آن تأثیرگذار باشد. در نتیجه پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنابراین اگرچه که در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از رویکرد کمی در مرحله مدلسازی معادلات ساختاری، به آزمون و اعتبارسنجی نتایج کیفی بپردازد، با این حال محدودیت‌های روش‌های کیفی کماکان وجود دارد.

علی‌رغم مزیت‌های بسیاری که روش‌شناسی بکار رفته در بخش کیفی این پژوهش دارد، با این حال یکی از محدودیت‌های اصلی این روش، شناسایی دقیق و جامع خبرگان درگیر در رابطه با موقعیت مسأله‌زا و مشارکت آنان در فرآیند پژوهش می‌باشد. بنابراین انتخاب افرادی که بایستی در فرآیند اجرای پژوهش و مصاحبه مشارکت داشته باشند کاری بسیار سخت و حساس بوده است؛ زیرا بایستی افرادی انتخاب شوند که درگیر در شرایط مسأله باشند.

اگرچه در مدل ارائه شده برخی از عوامل زمینه‌ای شناسایی گردید، در این رابطه به نظر می‌رسد برخی متغیرهای دیگر در این خصوص تأثیرگذار باشند که ضروری است نقش متغیرهایی چون نوع فرهنگ حاکم بر شهرستان، نوع ساختار و نوع راهبردهای

شهرسازی و ... نیز بررسی شوند که به دلیل محدودیت در قلمرو زمانی و موضوعی پژوهش امکان بررسی آنان در این رهیافت وجود نداشت.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که عدالت شهری یک مفهوم چندوجهی است و ابعاد آن در یک زنجیره علی قرار دارند. برتری ضریب تأثیر عدالت فضایی نشان می‌دهد که شهروندان ساری، درک ملموس‌تری از عدالت در توزیع کالبدی و فضایی خدمات (مانند دسترسی به پارک، مدرسه، درمانگاه) دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۴۰۰) و پیمایش (۱۳۹۹) که بر نابرابری در توزیع فضای سبز و خدمات شهری تأکید داشتند، همسو است. به عبارت دیگر، زیرساخت‌های فیزیکی و پراکنش جغرافیایی خدمات، اولین و مهم‌ترین دریچه‌ای است که شهروندان از طریق آن، عدالت یا بی‌عدالتی را تجربه می‌کنند.

عدالت توزیعی به عنوان دومین عامل کلیدی، نشان‌دهنده اهمیت فرآیندها و مکانیسم‌های تخصیص منابع است. مؤلفه‌های «نیاز» و «دسترس» در این بعد، نشان می‌دهد که صرفاً وجود خدمات کافی نیست، بلکه توزیع آنها باید مبتنی بر نیاز واقعی جمعیت و با در نظر گرفتن عواملی مانند فاصله و تراکم جمعیت باشد. این یافته با اصول هاروی (۱۹۷۳) مبنی بر اولویت‌دهی به مناطق محروم و تأمین نیازهای اساسی، سازگار است.

نقش نسبتاً کوچک‌تر اما حیاتی عدالت ساختاری (شامل آزادی، مشارکت و تنوع) نشان می‌دهد که هرچند این ابعاد نرم‌افزاری و مشارکتی، تأثیر مستقیم کمتری بر درک اولیه عدالت دارند، اما برای پایداری و کارایی بلندمدت برنامه‌های شهری حیاتی هستند. این یافته با تأکید فاین‌استاین (۲۰۱۰) بر معیارهای مردم‌سالاری و تنوع، و همچنین با تأکید دیوید هاروی بر حق بر شهر و مشارکت، همخوانی دارد. برای تحقق عدالت شهری پایدار، الزامات قانونی و مشارکتی (عدالت ساختاری) باید به عنوان بستری برای پیاده‌سازی عدالت فضایی و توزیعی عمل کنند.

References

- [1] Hataminejad, H., Kalantari Khalilabad, H., Alikhani, H., Tarshizi, M., & Bajal, R. (2020). Analysis of Social Justice with Emphasis on the Spatial Distribution of Urban Land Uses and Citizens' Satisfaction in District 1 of Mashhad Metropolis.
- [2] Hosseini, F. S., & Karimi, A. (2021). Investigating the Distribution of Urban Land-Use Factors in Urban Development Plans from the Perspective of Social Justice. **Human and Environment**, 19(4), 123–140.
- [3] Khatami, M., Bojari, P., & Ranjbar, E. (2022). The Knowledge Weight of Urban Designers in Iran: An Analysis of the Relationship between Knowledge Production and Urban Problems in Tehran. **Architecture and Urban Planning Letters**, 15(36), 117–141.
- [4] Rafieian, M., Ghasemi, I., & Nozari, K. (2019). A New Formulation of the Concept of Spatial Justice Discourse: A Framework for Analyzing the City of Tehran. **Urban Planning Knowledge**, 3(3), 21–44.
- [5] Saroukhani, B. (2003). **Research Methods in Social Sciences**. Institute for Humanities and Social and Economic Studies, Tehran, 8th Edition.
- [6] Soleimani, M., & Ebrahimi Dehkordi, A. (2020). Spatial Analysis of Urban Poverty with Emphasis on the Concept of Spatial Justice (Case Study: Golshan Neighborhood, Gorgan). **National Conference on New Studies and Research in the Fields of Geography, Architecture and Urban Planning of Iran**, Tehran.
- [7] Sheikhalipour, B., Abdollahi, A. A., & Pourkhosravani, M. (2019). Investigating the Distribution of Urban Services in Line with Spatial Justice (Case Study: Four Districts of Kerman City). **Journal of Geography and Urban-Regional Planning**, 9(31), 15–34.
- [8] Salehi, E., Khasto, M., & Norouzi, F. (2021). Analysis of the Effectiveness of Per Capita Public Urban Services Indicators in the Spatial Justice Paradigm of Urban Neighborhoods (Case Study: Neighborhoods of Tehran). **Geography (Regional Planning)**.
- [9] Samadi Miarkolayi, H., & Samadi Miarkolayi, H. (2016). Enhancing Organizational Commitment in Non-Governmental Organizations: Explaining the Strategic Role of Job Satisfaction through Structural Equation Modeling. **Sociology of Social Institutions**, 3(8), 133–157.
- [10] Kamerani, A., & Khord Ranjbar, E. (2020). Spatial Justice in Access to Service Land Uses in Urban Neighborhoods: A Case Study of District 1 Neighborhoods in Karaj.

Fourth International Conference on New Studies in Civil Engineering, Architecture, Urban Planning and Environmental Sciences in the 21st Century, Tehran.

[11] Karimzadeh, N., & Naseri. (2019). Spatial Analysis of Access to Public Urban Services with Emphasis on Municipal Revenue Management (Case Study: Tabriz). *Urban Economics*, 2(2), 83–98.

[12] Mohammadi, A., Hashemi Masoumabad, R., & Mohammadi, C. (2021). Spatial Analysis of the Distribution of and Access to Urban Services at the Urban Neighborhood Level with an Approach to Spatial Justice (Case Study: Commercial Land Uses in Ardabil).

[13] Mahmoudzadeh, H., Aghazadeh, N., & Harischian, M. (2020). Visualization of Housing Sustainability Assessment from the Perspective of Spatial Justice by Combining Structural Equation Modeling and Fuzzy Multivariate Analysis: A Case Study of District 1 of Tabriz Metropolis. *Spatial Planning*, 10(4), 66–85.

[14] Moslemi Mehni, Y., Ilkhanipournaderi, A., Afsharmanesh, H., & Sedghi, N. (2022). An Introduction to Analytical Problem-Oriented Approaches in Urban Policy-Making (Case Study: Designated Metropolises of the Country). *Geography (Regional Planning)*, 12(4), 1324–1347.

[15] Meshkini, A., & Nosrati Hashi, M. (2021). Identifying Factors Affecting Urban Issues in Iran with an Approach to Social Justice. *Geography and Urban Spatial Development*, 8(1), 57–76.

[16] Nabavi, H., Asadi Larijani, M., Mousavi, M. T., Rashidi, V., & Fadayeveatan, R. (2022). Multilevel Analysis of the Social Network of Older Adults Based on Data from the Second Phase of the Urban Health Justice Study. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 17(1), 28–43.

[17] Nabizadeh Zolpirani, M., Azimi, N., & Mohammadpour, S. (2020). Assessment of Urban Public Space Quality with an Approach to Social Justice (Case Study: Streets of Rasht City). *Human Geography Research*.

[18] Nouri Imani, E., & Bochani, M. H. (2020). Spatial Justice in the Distribution of Urban Services in Mehr Housing, Ardabil. *Tenth National Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Development*, Babol.

Hussaini, F., Farhadi, E., Pourahmad, A., Tondelli, S. (۲۰۲۲). Spatial justice in relation to the urban amenities distribution in Austin, Texas. *Spatial Information Research*, ۱۲-۱
Jian, I. Y., Chan, E. H., Xu, Y., Owusu, E. K. (۲۰۲۱). Inclusive public open space for all: Spatial justice with health considerations. *Habitat International*, ۱۱۸, ۱۰۲۴۵۷

León-Rosales, R. (۲۰۲۱). Learning to Resist “Othering”: On the Swedish Urban Justice Movement’s Learning Processes in Racialized Urban Landscapes. In *Gender and Education in Politics, Policy and Practice* (pp. ۱۲۵-۱۰۹). Springer, Cham.

Nordström, M. (۲۰۲۲). Bridging Temporal and Transport Justice: A case for considerations of time use in urban justice. *East Asian Journal of Philosophy*, ۱(۳), ۶۹-۴۵.

Quesada, F. (۲۰۲۲). On the Fringes of Urban Justice: Violence and Environmental Risks in Precarious Settlements in Guatemala City. *Social inclusion*.

Development of an Optimal Urban Justice Model in Sari City Using a Mixed-Methods (Qualitative–Quantitative) Approach and Structural Equation Modeling (SEM)

Javad Asghari GHajari - PhD student - - - PhD student, Department of Geography and Urban

Abbas Arghan - Professor - - - Professor, Department of Geography and Urban Planning, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran - arghan1349@iau.ac.ir

Mohamadreza Zand Moghadam - Associate Professor - - - Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Abstract

Urban justice is a fundamental concept in modern urban planning that seeks to ensure the equitable distribution of urban facilities, services, resources, and opportunities among citizens. Spatial inequalities in Iranian cities, particularly in Sari, highlight the need for a context-specific and comprehensive model of urban justice. This study aimed to develop and validate an optimal model of urban justice in Sari using a mixed-methods approach. An exploratory mixed qualitative–quantitative methodology was employed. In the qualitative phase, 15 experts, including urban managers, academics, and specialists, were interviewed using semi-structured interviews, while relevant theoretical literature was reviewed through systematic note-taking. The identified components were subsequently refined using brainstorming and expert judgment, resulting in a researcher-developed questionnaire. In the quantitative phase, data were collected from 384 employees of the Municipality and Governorate of Sari and analyzed using Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) through SmartPLS software. The qualitative findings identified three main dimensions of urban justice: spatial justice, distributive justice, and structural justice. Spatial justice included 12 components related to educational, healthcare, cultural, religious, recreational, transportation, tourism, green-space, parking, commercial, and urban equipment services. Distributive justice consisted of residents' needs, accessibility, spatial distribution of services according to population, and service efficiency. Structural justice included entitlement, democracy, participation in public benefits, diversity, equal opportunity, and freedom. The quantitative findings confirmed the adequacy of the measurement model, with Cronbach's alpha and composite reliability exceeding acceptable thresholds and AVE values above 0.50. Among the three dimensions, spatial justice had the strongest path coefficient (0.471), followed by distributive justice (0.363) and structural justice (0.177). The findings indicate that achieving urban justice in Sari requires priority to be given to the balanced spatial distribution and accessibility of urban services, followed by equitable resource allocation and the strengthening of participatory and institutional mechanisms. The proposed model provides a comprehensive and context-specific framework for assessing and promoting urban justice in Sari.

Keywords: Urban Justice; Spatial Justice; Distributive Justice; Structural Justice; Sari City; Structural Equation Modeling (SEM); Mixed-Methods Approach

Introduction

Urbanization in Iran has expanded rapidly during recent decades, accompanied by unequal distribution of facilities, services, and resources across urban areas. Such spatial disparities can

contribute to social and economic inequalities and reduce citizens' equal access to urban opportunities. Consequently, urban justice has become an important principle in contemporary urban planning and management. The concept of urban justice encompasses not only the spatial and distributive dimensions of access to services but also structural issues such as equality, diversity, freedom, democracy, participation, entitlement, and public interest. The present study was conducted in Sari to identify the major dimensions and components of urban justice and to develop and validate an optimal and context-specific model. The research seeks to answer two main questions: What are the most important criteria defining urban justice from the perspective of urban planning, and how can the relationships among the different dimensions of urban justice be explained and modeled in Sari?

Methodology

The research adopted an exploratory mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, relevant theoretical and empirical studies were reviewed, and semi-structured interviews were conducted with 15 experts selected based on their academic background, professional experience, organizational position, and relevance to the research topic. The qualitative data were analyzed through coding procedures, while the literature was examined using a systematic note-taking process. Following the initial identification of indicators and components, a brainstorming technique was employed to obtain further expert evaluations. Initially, 43 indicators were presented to the experts and assessed on a five-point scale. Indicators with mean scores below 3.7 were removed, and the process was repeated three times. After eliminating and combining overlapping components, a researcher-developed questionnaire containing 78 items was constructed.

In the quantitative phase, the questionnaire was distributed among 384 employees of the Municipality and Governorate of Sari. Of the respondents, 112 were women and 272 were men. The data were analyzed using Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) in SmartPLS. A five-point Likert scale was used to measure the questionnaire items. The reliability and convergent validity of the measurement model were assessed using Cronbach's alpha, composite reliability (CR), and average variance extracted (AVE). Values above 0.70 for reliability coefficients and above 0.50 for AVE were considered acceptable.

Findings

The qualitative analysis resulted in three major dimensions of urban justice: spatial justice, distributive justice, and structural justice. Spatial justice comprised 12 components, including educational services, transportation services, urban equipment, recreational and sports services, tourism services, urban services, healthcare services, cultural and artistic services, religious services, parking facilities, parks and green spaces, and banking-commercial services.

The second dimension, distributive justice, consisted of four components: residents' needs for services, residents' access to services, spatial distribution of services in relation to population, and service efficiency. Residents' needs included social, economic, income-generating, and specific land-use requirements. Accessibility involved distance to services, service availability density, urban structure, and service importance. The spatial distribution dimension incorporated service land-use per capita, service area, and population. Service efficiency included service area, access to the transportation network, compatibility of services with adjacent land uses, and population elasticity.

The third dimension, structural justice, consisted of democracy, entitlement, participation in public benefits, diversity, equal opportunity, and freedom.

The results of the structural model demonstrated that all three dimensions had positive and significant relationships with the optimal urban justice model. Spatial justice showed the highest path coefficient (0.471), followed by distributive justice (0.363) and structural justice (0.177). The corresponding T-values were 65.651, 58.705, and 32.603, respectively, with p-values of 0.000, indicating statistically significant relationships.

The factor loadings of the spatial justice components ranged from 0.836 to 0.929, while the structural justice components ranged from approximately 0.790 to 0.932. The factor loadings of the distributive justice components were particularly high, ranging from 0.948 to 0.964. The reliability analysis also confirmed the adequacy of the measurement model. Cronbach's alpha values were 0.977 for spatial justice, 0.941 for structural justice, and 0.969 for distributive justice. Composite reliability values were 0.978, 0.948, and 0.971, respectively, while AVE values were 0.560, 0.584, and 0.557. These findings indicate satisfactory reliability and convergent validity.

Discussion

The findings confirm that urban justice is a multidimensional concept in which spatial, distributive, and structural dimensions are interconnected. The dominant role of spatial justice suggests that the physical distribution and accessibility of urban services constitute the most tangible dimension of justice from the perspective of respondents. Access to parks and green spaces, educational and healthcare facilities, transportation services, cultural facilities, and other urban amenities directly affects citizens' everyday experiences of equality and inequality.

Distributive justice emerged as the second most influential dimension. This finding emphasizes that the mere existence of urban services does not guarantee justice; rather, services should be allocated according to population needs, accessibility conditions, spatial distribution, and efficiency. The structural dimension, despite having the lowest direct path coefficient, remains essential for the long-term sustainability of urban justice because participation, democracy, equality, diversity, freedom, and entitlement provide the institutional and social foundations necessary for implementing spatial and distributive justice.

The findings are broadly consistent with previous studies emphasizing spatial inequalities in the distribution of urban services and the importance of participatory and institutional mechanisms in urban justice. The principal contribution of the present study is its attempt to integrate spatial, distributive, and structural dimensions into a unified model and empirically validate their relationships through PLS-SEM.

Conclusion

The results demonstrate that achieving sustainable urban justice in Sari requires an integrated approach rather than focusing exclusively on the distribution of individual urban services. Spatial justice should receive the highest priority, particularly through the balanced development and accessibility of educational, healthcare, cultural, recreational, transportation, green-space, and other essential services. Subsequently, distributive mechanisms should be improved by allocating resources according to residents' needs, population distribution, accessibility, and service efficiency. At the structural level, strengthening democratic

participation, equal opportunities, freedom, diversity, entitlement, and public-interest mechanisms is necessary to support the sustainable implementation of urban justice. Therefore, the proposed model can serve as a context-specific framework for urban managers and planners seeking to evaluate inequalities and improve the equitable provision of urban services and opportunities in Sari.